دو نهضت اصلاحی دینی در هند قدیم

الامام، سید مطیع

صفحات تاریخ مذاهب عالم شاهد این امر است که هر موقع گروه راهنمایان‏ مذهب نفوذ کلی در اجتماع پیدا میکنند و مذهب را وسیلهء منافع ذاتی خود قرار میدهند لازم است عکس العمل آن بوجود بیاید و مصلحین در آن قوم بروز کرده مفاسدی را که‏ توسط گروه راهنمایان مذهب در امور دینی تولید یافته باشد اصلاح کنند چنانکه در هند قدیم نیز چنین وقایعی اتفاق افتاده است.

در حدود دو هزار و پانصد سال قبل از میلاد مسیح،آریائی‏ها از جانب شمال‏ باختر شبه‏قاره وارد این سرزمین شدند و با گذشت زمان جمعیت آنها در تمام نقاط شبه‏قاره‏ متفرق گردید.

در آن ایام آریائی‏ها مظاهر طبیعت را می‏پرستیدند و رسوم دینی آنها ساده و بدون شکل بوده است،بعدها در مدت یک هزار سال چهار کتاب مقدس که حاوی‏ قوانین دینی و موسوم به«وید»بوده است بوجود آمده و مدت‏ها بعنوان دستورهای دینی‏ بشمار رفته است.

تعلیمات دینی«ویها»با گذشت زمان از سادگی اصلی و قدیمی خود افتاد، و در نتیجه تفاسیر پیچ‏درپیچ که توسط پیشوایان مذهب به رشته تحریر درآمده بود، مشکل‏تر شده،و بخصوص بار گران قربانی‏هائی که وسیلهء نجات مردم شمرده میشد برای‏ عامه مردم غیرقابل تحمل گردید.

و در این‏جا بود که عکس العمل شدیدی برخلاف گروه راهنمایان قدیم دینی‏ آغاز گردید،و دو نهضت اصلاحی بوجود آمده در تمام نواحی شبه‏قاره نفوذ کلی یافت.

مقصود ما از نهضت‏های مزبوره:

یکی«جین مت» (Jainism است که داعی آن«مهاویر»بوده و دیگری‏ «بود همت» (Buddhism) که مؤسس آن گوتم بودا (Gautama Buddha) بوده است.

آریائی‏ها که در آغاز کار در آسیای وسطی سکنی داشتند در میان سه هزار و دو هزار سال قبل از میلاد مسیح سرزمین خود را ترک گفته و از کوه هندوکش سرازیر شدند،و بعدها رودخانهء سند را عبور نموده به ناحیه‏ای وارد شدند که سابقا به پنجاب‏ موسوم بود1و نام رودخانهء مزبور هم اصلش از زبان آریائی است که آنها رودخانه را «سندهو»می‏گفتند،و بهمین مناسبت در نواحی که آنهاآباد کردند به«سپت سندهوا» (Sapta Sindva یعنی«هفت رودخانه»موسوم گردید2

از لحاظ لغات«آریا»3بمعنای«شریف و نجیب»4آمده است.آریائی‏ها دارای‏ قد بلند و رنگ سفید و دماغ بلند و با خط و خال متناسب بودند.5

(1)-در سنهء 1947 که شبه‏قاره در دو مملکت جداگانه موسوم به پاکستان و بهارت منقسم گردید.قسمت شرقی استان سابق پنجاب در بهارت و قسمت غربی آن در پاکستان شامل گردید و در آن موقع قسمت غربی پاکستان مشتمل بر استانهای مرز شمال غربی‏ پنجاب غربی،و سند،و ناحیهء بلوچستان و امارتهای بهاولپور،خیرپور و قلاوت بود.بعدها تمام این استانها و نواحی بصورت یک استان بزرگ درآمد و موسوم به«پاکستان غربی»گردید

(2)-دائرة المعارف مذهب و اخلاق (Encyclopaedia of religion and ethics) تدوین جیمز هیستنگز ṣ(James hastings) طبع لندن،1930 میلادی،جلد 6 ص 686

(3)-در تاریخ ایران باستان(طبع تهران 1331 هجری شمسی،جلد اول ص 155)مؤلف حسن‏ پیرنیا(مشیر الدولهء سابق)مینویسد که نام(ایران)از اسم این مردمان است یعنی«آیریا» «آیران»«ایران»ایران شده.

(4)-تاریخ مسلمانان پاکستان و بهارت(هند)تألیف سید هاشمی فریدآبادی کراچی‏ جلد اول ص 15.

(5)-تاریخ مختصر اهل هند (A concise History of the indian (people ص 12.

زبان اصلی آنها آریائی بود که از اوائل بآن تکلم میکردند زبان مزبور بمرور ایام و در تحت‏تأثیر محیط جدید تا حدی متغیر گردید و سلیس‏تر،واضح‏تر شد،و به«سنسکریت»موسوم گردید،که«سم»بمعنی«باهم»و«کر»به معنی«ساختن»است این‏ کلمه اول به«سمسکرتا»یعنی«باهم ساخته شه»و بعدها«سنسکریت»گردید1 «سنسکریت»از لحاظ ریشه با زبانهای ایران و بعضی از زبان‏های اروپا یکی است‏2

مذهب ویدائی:قدیم‏ترین منابع دینی آریائی‏ها که در شبه‏قاره اقامت گزیدند «ویدها»است«وید»در زبان سنسکریت به‏معنای«علم»است مقصود از«ویدها»کتابهائی‏ است که آنها را میتوان خزینهء«علم و معرفت نامید»3

«ویدها»مشتمل است بر چهار کتاب و دورهء تألیف آنها را قبل از 1500 ق-م‏ گفته‏اند4و تفصیل آن بطریق ذیل است.5

1-رگ و ید ṣ(Rig veda) که قدیم‏ترین ویدها شمرده میشود-این‏ کتاب حاوی مناجاتیست و مشتمل است بر 10552 بند.

2-سام وید ṣ(Sam veda) که حاوی سرودهای دینی است و مشتمل‏ است بر 1875 بند.

3-یجروید ṣ(Yajur veda) که حاوی احکام و آداب قربانیهاست‏ برای خدایان و مشتمل است بر 2086 بند.

4-اتهرو وید ṣ(Atharva veda) که حاوی سحر و مناجات است و (1)-لغت‏نامه مختصر انگلیسی آکسفورد (The concise oxford (dictionary طبع لندن،1952 میلادی،ص 1093.

(2)-سخندان فارسی(اردو)،تألیف محمد حسین آزاد،لاهور 1907 م،ص 29 سبک‏شناسی تألیف محمد تقی بهار(ملک الشعرا)تهران 1337-ش،جلد اول،ص 1

(3)- (The civilization in ancient india) ṣ(Louis Renou) طبع کلکته،1953 م،ص 7

(4)- ṣ(indian inheritance) تدوین:ک.م.منشی (K.M.munshi) و ر.ر.دیواکر ṣ(R.R.diwakar) طبع بمبئی،1959 میلادی،ص 15

(5)- ṣ(indian inheritance) ص 15 مشتمل است بر 5987 بند.

بیشتر قسمت‏های کتب وید منظوم است و بعضی قسمت‏های آنها،که مشتمل‏ است بر احکام قربانیها،در نثر است و نثر آن نیز مسجع است‏1

مجموعه بندهای کتب مزبوره را«شرتی» (sruti) یعنی«وحی»میگویند ولی نمیتوان گفت که تا چه اندازه از تحریف مبرا است،علاوه برین بعضی منابع دینی‏ نیز وجود دارد که موسوم است به«سمرتی» (smiriti) یعنی«روایات»2

آریائی‏ها در موطن جدید خود به عقاید دینی وابستگی زیادی داشتند،قوای‏ طبیعت را زنده می‏دانستند،و آنها را می‏پرستیدند،و در ستایش آنها نغماتی می‏سرودند، و از آنها باریدن باران،وزیدن باد،و حفظ جان و مال را خواستار می‏شدند،و برای‏ خوشنودی آنها جانوران را قربانی می‏کردند.3

عده خدایان بزرگ آنها به سی و سه می‏رسد،که بزرگترین آنان«اندر» (Indre) که تازیانهء برق بر پشت سحابها می‏زد،که در نتیجهء آن باران می‏بارید، و کشت‏زارها سیراب و سرسبز می‏گردید.

خدای بزرگ دیگر«اگنی» (Agni) بود،که در آسمان خورشید و در زمین‏ آتش است،که در نتیجهء تابش آن غله‏ها در کشتها رسیده می‏شد،و آتش در خانه‏ها روشن می‏گردید.4

آریائی‏ها عقیدهء روشنی دربارهء مبدأ و معاد نمی‏داشتند و قربانیها را وسیلهء حصول حاجات خود می‏دانستند.

مدتها پس از ورود آریائی‏ها به شبه‏قاره اسامی جامعه درین سرزمین از لحاظ زندگانی اجتماعی بر چهار طبقهء زیر نهاده و شرح آنها بدین طریق می‏باشد:

(1)-ایضا ص 15.

(2)- ṣ(The civilization in ancient india) ص 8

(3)- (A concise history of the indian people) ص 14

(4)-ایضا ص 16

1-برهمن (Brahmana) یعنی کسی که دارای«قوت پوشیدهء روحانی»1 می‏باشد.برهمن‏ها محافظین و یدهای مقدس بودند و بیشتر از اوقات شبانه روزی خود را در تلاوت کتب مقدسه بسر می‏برده-زندگانی آنان طبق اصول و یدها بسر می‏شد،و لازم بود آنها از هر بدی و ناپاکی اجتناب کنند.آنان در اوقات عبادات دعاها می‏خواندند در مواقع قربانیها نغمات مناجات می‏سرودند.و بدین سبب در اجتماع آن دوره مورد احترام زیادی بودند.2

2-چهتری (Kshatriya) که بمعنی«صاحب نیروی سیاسی»3،و وظیفه‏ چهتری حفظ جان و مال قبیله می‏بوده است،و بیشتر فرمانروایان دورهء قدیم از همین‏ طبقه بوده‏اند.

3-ویشی (Vaisya) مردمان این طبقه صاحب و پیشه‏های مختلف از نوع‏ فلاحت و تجارت و صنعت و حرفت بوده‏اند.4

4-شودر (Sudra) این طبقه مشتمل بر پست‏ترین مردم بوده است.و عده‏ زیادی از آنها کسانی بوده‏اند که از آریائی‏ها مغلوب شده غلامی و بندگی آنها را قبول‏ نموده‏اند و کسانی بوده‏اند که در نتیجهء ازدواج مردان آریائی با زنان محلی بوجود آمده‏اند.

شودرها بیشتر خدمات طبقات دیگر را بانجام رسانیدند رفت و روب‏ می‏کردند از جنگلها چوب سوختنی می‏آوردند و زحمات و مشقات دیگر متحمل می‏شدند آنان بیرون آبادی‏های آریائی‏ها خانه می‏داشتند و آریائی‏ها آنان را بنظر تحقیر می‏نگریستند.1

باستثنای شودرها روابط بین سه طبقه اول جائز بود و آنان میتوانستند باهم‏ بنشینند و بخورند و بنوشند.چهتری‏ها و ویشی‏ها میتوانستند بعد از تحصیل کمال به‏ علم دینی،به طبقهء برهمن‏ها درآیند و بهمین طریق از برهمن‏ها کسانیکه می‏خواستند وظائف چهتری‏ها و ویش‏ها را بانجام برسانند هیچ امر دینی مانع آنها نمی‏شد و ازدواج‏ بین برهمن‏ها و چهتری نیز جائز بود.2

در دورهء بعد آریائی‏ها،که از شمال شبه‏قاره به وادی رودخانه‏های گنگ‏ و جمن رسیدند،با گذشت زمان حکومتهای محلی را ایجاد نمودند که باعث نزاع‏ها و جنگهائی گردید.

بعضی تغییرات مهمی در دین آنها نیز بوجود آمد.در ابتدا بسیاری از خدایان‏ حامل صفات مخصوصه نبودند،ولی بعدها کم‏کم بصفات خاصی متصف شدند،و بعضی‏ از آنها که مورد پرستش مخصوصی بودند،دربارهء آنها نیز تغییراتی روی نمود.بعضی‏ها را برای عبادت خاص مختص نمودند و دیگران را برای عبادت عامه.نظریه«تری‏ مورتی»یا سه خدا مشتمل بر برهما (Brahma) و وشنو (Vishnu) و شیو (Siva) بوجود آمد و اساس مذهب هندوها قرار گرفت.

کار برهما خلق کردن،و کار وشنو پرورش دادن،و کار شیو فنا کردن معین‏ گردید.3

(1)-(الف)تاریخ پاکستان و هند«تألیف غلام رسول مهر»لاهور 1950 م‏ ص 32-33(ب) (A concise history of the indian people) ص 15 (ج) (The civilization in ancient india) ص 38-39(د)- (Bihar- ṣthrough the ages) تدوین ر.ر.دیواکر R.R.Diwakar طبع کلکته، سنه 1959 میلادی،ص 688

(2)-(الف) (Bihar through the ages) ص 169-170

(ب) ṣ(The civilization in ancient india) ص 43

(3)-(الف) (A concise history of the indian people) ص 25

(ب) (The civilization in ancient india) ص 22

با گذشت زمان در اجتماع هندوها فرق بسیار زیادی بوجود آمد و تقسیم‏ طبقاتی که دربارهء آن در صفحات گذشته اشاره شد شدیدتر گردید و برعکس دورهء گذشته نه«برهمن»میتوانست«چهتری»بشود،و نه«چهتری»«برهمن»و همچنین‏ «ویش»نیز باوجود صفات لازمه نمی‏توانست چهتری یا برهمن بشود،و باصطلاح‏ «تقسیم طبقاتی»موروثی گردید.1نه فقط این بلکه در طبقات نیز طبقه‏های دیگر بوجود آمد که تفصیل آنها درین محل خارج از مبحث می‏باشد.

البته برهمن‏ها مقام خود را حفظ داشتند،و واسطه در میان بندگان و خدایان‏ قرار گرفتند،و حصول نجات فقط توسط آنان امکان داشت،یعنی کسانیکه طالبان‏ نجات می‏بودند توسط برهمن‏ها می‏توانستند بنام خدایان قربانی کنند یا صدقه بدو دهند،و بدین طریق توسط آنان نجات می‏یافتند.البته مردمان متمول میتوانستند قلوب‏ برهمن‏ها را توسط صدقه یا قربانیها مسخر نمایند،و بدین سبب نجات فقط برای آنها مخصوص‏ بود و برای مفلس‏ها باب نجات بسته شده بود زیرا آنان قوه صدقه دادن یا قربانی کردن‏ نداشتند،بدین سبب سزای گناهان فقط برای آنها مخصوص گردید.

این نوع وقایع عکس العمل شدیدی در اجتماع آن روزها بوجود آورد و اهالی نواحی شرقی شبه‏قاره تمام اصول قربانیها را قبول نکردند و کسانیکه برخلاف‏ اصول مقررهء برهمن‏ها عمل نمودند به صورت فرقه‏ای درآمدند که موسوم به وراتیا (Vratya) بود،و آنها نظریه‏ای بوجود آورده که طبق آن برخلاف قربانیها تصفیه‏ باطن نیز واسطهء نجات می‏شد.2

مذاهب مهاویر و بودا نیز عکس العمل مذهب برهمن‏ها بوده است که تفصیل‏ اجمالی آن بدین طریق است.ناتمام

(1)- ṣ(The civilization in ancient india) ص 42-43

(2)- (Bihar through the ages) ص 120-121 تاریخ پاکستان و هند،تألیف غلام رسول مهر،ص 31